

انتخابات مجلس ششم: آخرین مواضع، جدیدترین صف آرای‌ها

تب انتخابات مجلس ششم به نقطه اوج رسیده است. جناح‌های سیاسی و شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار، مواضع خود را تا حدی مشخص کرده‌اند. گرچه این امکان هست که در آخرین روزها (و حتی ساعات) یک تغییر موضع، یا وقوع یک رویداد باعث ایجاد دگرگونی غیرمنتظره‌ای شود، لیکن براساس آنچه تاکنون (زمان نگارش این تحلیل) رخ داده، می‌توان نتیجه گرفت سه طیف عمده سیاسی (جناح راست، جناح چپ و کارگزاران) به ترتیب بیشترین کرسی‌های مجلس ششم را از آن خود خواهند کرد. در چنین وضعیتی، مجلس ششم شاهد یک اکثریت نیرومند که بتواند همه امور را وفق نمایات خود سامان دهد، نخواهد بود، بلکه نمایندگان گروه‌های سیاسی ناگزیرند در موارد و مقاطع مختلف تن به ائتلاف‌های موضعی بدهند. چنین مجلسی، بی‌تردید شاهد چالش‌های فراوانی خواهد بود. علاوه بر این، ما در این مجلس شاهد حضور چهره‌هایی خواهیم بود که از بطن اصلاح‌طلبانی که در جنبش دوم خرداد فصل جدیدی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران را گشودند، سربرآورده‌اند و حضور آنها در مجلس ششم، فضای آن را با دوره‌های پیشین متفاوت خواهد کرد.

تحقق یافتن این گمانه‌زنی‌ها مشروط و منوط به آن است که تغییرات عمده‌ای در روند برگزاری انتخابات و مواضع گروه‌ها رخ ندهد. زیرا این احتمال هست که رویدادهای غیرمترقبه، سبب تغییر روش‌ها و شیوه‌های جاری شخصیت‌های تأثیرگذار و جناح‌های سیاسی عمده شود، که در این صورت ما شاهد فضای جدیدی در زمینه انتخابات و ترکیب قدرت خواهیم شد.

تحقق این فرضیه با توجه به موضوع‌گیری‌های علنی و بی‌پروای بخشی از نیروهای دوم خردادی علیه آقای هاشمی رفسنجانی که به پدر معنوی کارگزاران مشهور شده، چندان دور از انتظار نیست. گرچه آقای محمدرضا خاتمی (مرد شماره یک جبهه

مشارکت) گفته است که «به تمامی شرایط ائتلاف دوم خرداد تن خواهیم داد»، اما به نظر نمی‌رسد شکافی که بین کارگزاران و بخش‌های دیگر جبهه دوم خرداد به وجود آمده، به این سادگی‌ها قابل یر کردن باشد. دیوار لرزان اعتمادی که باعث ائتلاف کارگزاران با سایر گروه‌های تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد شده بود، اینک فرو ریخته است، و لذا هر آن باید انتظار وقوع رویدادهای غیرمترقبه‌ای را داشت. آزادی غیرمنتظره غلامحسین کرباسچی که به موتور محرکه انتخاباتی ائتلاف کارگزاران و جناح چپ در انتخابات مجلس پنجم و هفتمین انتخابات ریاست جمهوری اشتهار داشت، شرایط حاکم بر آرایش نیروها را تغییر داده است. در آن انتخابات کرباسچی توان مدیریتی و امکاناتی را که در اختیار داشت در خدمت ائتلاف ضد راست قرار داده بود. از همین رو



وقتی هاشمی رفسنجانی تصمیم به حضور در رقابت‌های انتخاباتی گرفت، اختلافات جبهه دوم خرداد را هم به سطح کشاند.

یک فرضیه جدی در مورد به زندان افتادنش همین عملکرد بوده است. اینک کرباسچی بار دیگر در عرصه است، آیا او باز هم همراه و همگام با جناح چپ و اصلاح‌طلب عمل خواهد

کرد؟ اگر در نظر بگیریم آزادی کرباسچی در این شرایط حساس جز با رضایت جناح راست امکان‌پذیر نبوده، می‌توانیم تصور کنیم که اگر او به نفع جناح راست فعالیت نکند، علیه آن هم قدمی برنخواهد داشت. می‌توان فرض کرد پس از جبهه‌گیری افراد و عناصری از جبهه دوم خرداد علیه آقای هاشمی رفسنجانی، کرباسچی که از یاران وی بوده به این دلیل در آستانه انتخابات آزاد شد که توان و امکانات جناح چپ و عناصر مخالف با رفسنجانی را «مشغول» کند. و اگر نقش کرباسچی در همین حد هم باشد، باز کارگزاران و جناح راست در مواجهه با برنامه‌های مجموعه نیروهای باقیمانده دوم خرداد از یک امتیاز قابل توجه برخوردار خواهند شد.

به هر حال، داشتن درک نسبتاً صحیح از شرایط کنونی می‌تواند به شناخت ماهیت انتخابات مجلس ششم و ترکیب قدرت در این مجلس کمک کند. مروری بر رویدادهای گذشته، تغییر ترکیب مواضع گروه‌های عمده سیاسی و شناخت نسبی ترکیب و مواضع کنونی این گروه‌ها می‌تواند رسیدن به این درک نسبی را امکان‌پذیر سازد.

در نوشتار زیر کوشیده‌ایم تصویری از گذشته و حال را در این مورد ارائه دهیم:



از اواخر اولین دهه انقلاب تاکنون، هاشمی رفسنجانی و مجموعه آشکار و پنهان همکاران وی در موفقیت و یا شکست هر کدام از جناح‌های سیاسی کشور در رقابت‌های انتخاباتی، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند.

بعد از مجلس سوم، ائتلاف هاشمی رفسنجانی با محافظه‌کاران موازنه سیاسی کشور را به نفع محافظه‌کاران تغییر داد. آنان بر قوای مقننه و قضاییه و بسیاری از نهادها و ارگان‌های دولتی، عمومی اقتصادی، انتظامی و فرهنگی کشور سیطره یافتند و همین سیطره از یک سو و ناتوانی رقیب از سوی دیگر، به مرور محافظه‌کاران را به سمت کسب قدرت مطلق و

حذف رقیب سوق داد.

بعداً با حمایت هاشمی رفسنجانی از نیروهای تکنوکرات محافظه کار (راست مدرن) و جای دادن آنها در کابینه و مناصب مهم (مانند کرباسچی، مهاجرانی، عبدالله نوری و نوربخش) بخشی از منافع جریان راست سنتی در حوزه اقتصاد به خطر افتاد. از این رو جمعیت مؤتلفه اسلامی، محافظه کارترین گروه محافظه کار، در آستانه انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی، با این تصور که نیروهای موسوم به خط امام از صحنه رقابت‌های سیاسی به کلی حذف شده است درصدد حذف متحد سابق خود (جریانی که اینک به کارگزاران موسومند) برآمد.

آنگاه که علی‌اکبر ناطق نوری لیست پنج نفره پیشنهادی هاشمی رفسنجانی را برای قرار گرفتن در لیست انتخاباتی شهر تهران به دوستان مؤتلفه‌ای خود ارائه کرد، آنها با این پیشنهاد مخالفت کردند.

بدین ترتیب شکاف در جبهه محافظه کاران آشکار شد. هاشمی که رئیس دولت بود با در خطر دیدن موقعیت خود و یارانش، به خصوص پس از پایان دوران ریاست جمهوری، همفکران خود را تشویق به تشکیل گروه جدیدی کرد. تشکیل گروه ۱۶ که بعدها گروه ۶ و در جریان انتخابات مجلس، گروه کارگزاران سازندگی نام گرفت. آغاز دوری نیم هاشمی از محافظه کاران سنتی بود.

اکنون در آستانه انتخابات مجلس ششم بار دیگر همچون انتخابات دوره گذشته آرایش گروه‌های سیاسی با موضع هاشمی رفسنجانی گره خورده است، شاید این شخص محوری بارزترین وجه ضعف احزاب و گروه‌ها و عدم شفافیت فضای سیاسی کشور در ایران دهه هفتاد باشد.

پیش از ادامه این بحث، آرایش گروه‌های سیاسی اصلاح طلب و محافظه کار را بدون در نظر گرفتن عامل حضور هاشمی رفسنجانی در صحنه انتخابات بررسی می‌کنیم.

۱- اصلاح طلبان

به گروه‌هایی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری از برنامه‌های سیدمحمد خاتمی حمایت کرده‌اند. گروه‌های اصلاح طلب گفته می‌شود. البته استفاده از این عنوان به این معنا نیست که تمامی گروه‌های حامی رئیس

جمهوری به طور مطلق مشی اصلاح طلبی را بیسند کرده‌اند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری. جو حاکم بر فضای سیاسی کشور، گروه‌های مختلف از گروه ملی- مذهبی و نهضت آزادی گرفته تا مجمع روحانیون و کارگزاران سازندگی را به یک همکاری مقطعی در حمایت از خاتمی سوق داد.

این ائتلاف شکننده پس از پیروزی خاتمی و به مرور زمان شکل دوران انتخابات خود را از دست داد. نیروهای ملی- مذهبی و نهضت آزادی در سویی و گروه‌های موسوم جبهه دوم خرداد نیز در سوی دیگر قرار گرفتند. گرچه این گروه‌ها در مورد برنامه‌های اساسی خاتمی و در مقابله با محافظه کاران تقریباً دیدگاه‌های یکسانی اتخاذ کرده‌اند.

تشکیل «ائتلاف

پیروان خط امام و

رهبری» را می‌توان

به مثابه بروز

شکافی بین

محافظه‌کاران تلقی

کرد؟

نیروهای ملی- مذهبی و نهضت آزادی

علاوه بر محافظه کاران، بخشی از جبهه دوم خرداد نیز به نیروهای ملی- مذهبی به دیده غیرخودی «می‌نگرد، از این رو است که در رایزنی‌های انتخاباتی، حضور این گروه تعیین کننده به نظر نمی‌رسد، اما تجربه انتخابات شوراهای نشان داد که این گروه‌ها حداقل در شهر تهران پایگاه مردمی قابل توجهی دارند و شاید به همین دلیل است که برخی از کاندیداهای نمایندگی مجلس به دنبال کسب حمایت این طیف از خود هستند.

محوریت نیروهای ملی- مذهبی با عزت‌الله سبحانی مدیر مسئول نشریه «ایران فردا» است. این نیروها دربرگیرنده برخی از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی مستقل و یا دگراندیشینند. همچنین برخی از فعالان سیاسی نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، جبهه ملی، حزب ملت و جامعه زنان انقلاب اسلامی نیز در جمع نیروهای ملی- مذهبی جای دارند. آکاهان سیاسی معتقدند اگر نیروهای ملی- مذهبی موفق به کسب قدرت شوند، فعالیت برای گروه‌های قدیمی ابن طیف (نهضت آزادی، جبهه ملی و...) تسهیل خواهد شد.

در حال حاضر (تا زمان تهیه این تحلیل) به جز عزت‌الله سبحانی تقریباً تمامی کاندیداهای این طیف از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده‌اند ولی آنها انتخابات را تحریم نکرده‌اند و از هواداران خود خواسته‌اند که به طور فعال در انتخابات شرکت کنند. آنها می‌دانند که در صورت پیروزی جبهه دوم خرداد در انتخابات شانس بیشتری برای گسترش فعالیت‌های سیاسی خود دارند.

جبهه دوم خرداد

گروه‌های تشکیل دهنده این جبهه در برخی مواضع با یکدیگر تضاد و تعارض دارند ولی تاکنون به جهت مقابله با محافظه کاران ائتلاف خود را حفظ کرده‌اند.

جبهه دوم خرداد به آن دسته از گروه‌های داخل نظام گفته می‌شود که در جریان انتخابات ریاست جمهوری از سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری حمایت کرده‌اند. به طور کلی آن ائتلاف بین دو جریان کارگزاران و گروه‌های خط امام (موسوم به چپ) بود، که اکنون با گذشت زمان به سه بخش تقسیم شده است: به این شرح:

الف- کارگزاران سازندگی: این گروه علاوه بر حفظ قدرت به دنبال تسبیر اهداف اقتصادی خود است، به همین دلیل پیش از انتخابات ریاست جمهوری با طرفداران خاتمی توافق کردند که در صورت پیروزی آقای خاتمی، برنامه‌های اقتصادی آنها به اجرا گذاشته شود. در حال حاضر نیز قدرت اقتصادی دولت در دست کارگزاران است. خانه کارگر و حزب جدیدالتأسیس این تشکل صنفی (حزب اسلامی کار) از دیگر تشکل‌های جبهه دوم خرداد

هستند که به کارگزاران نزدیکند. چنانکه گفته شده اکنون وضع به گونه‌ای درآمده که این احتمال که کارگزاران مواضعی غیر قابل حدس زدن اتخاذ کنند، بعید نیست.

ب - چپ‌های سنتی: شاید لیدر این دسته از گروه‌های خط امام را بتوان مجمع روحانیون مبارز دانست. مجمع روحانیون تشکلی است که دلیل تشکیل آن حمایت از امام در مقابل مخالفان اعلام شده است و شاید به همین دلیل باشد که افرادی با طرز تفکرهای متفاوت در این تشکیلات دیده می‌شوند. هرچند برخی از اعضای این تشکل از فعالان نوگرایی و اصلاحات هستند، اما وزنه نیروهای سنتی آن بیشتر است. مهدی کروبی، محمد توسلی، مجید انصاری، امام جمارانی، عیسی ولایی و اسدالله کبان اثری از اعضای سنتی این مجمع به شمار می‌روند.

مجمع نیروهای خط امام (ره)، انجمن اسلامی معلمان ایران و انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها از دیگر تشکل‌های سنتی جناح چپ هستند که در جبهه دوم خرداد جای گرفته‌اند.

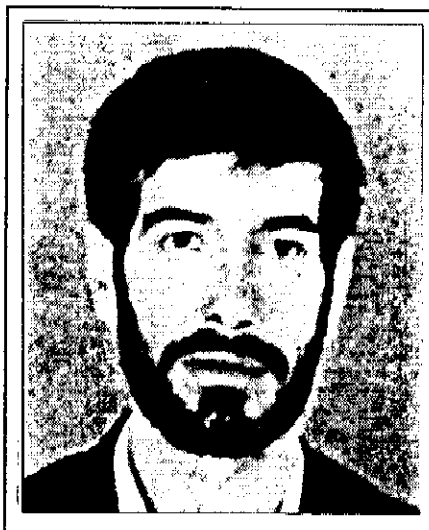
ج - چپ‌های نوگرا: شاید یکی از دلایل تشکیل جبهه مشارکت ایران اسلامی لزوم متشکل شدن نیروهای نوگرا و اصلاح طلب جناح چپ باشد. این نیروها عموماً از افراد جوان و تحصیلکرده جناح خط امام تشکیل شده‌اند.

از بارزترین مشخصه‌های رفتاری این جناح جبهه دوم خرداد تأکید آن بر اصلاحات و عدم سازش آنان با محافظه کاران در به تأخیر افکندن اصلاحات است.

دفتر تحکیم وحدت و مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی از گروه‌هایی هستند که در این جناح جای دارند. از دیگر گروه‌های جبهه دوم خرداد که در این جناح قرار دارند انجمن اسلامی مهندسان ایران و انجمن مدیران صنعتی ایران هستند. این دو گروه در جریان انتخابات شوراها، انتخابات شهردار تهران و انتخابات این دوره مجلس برخی از اعضای نیروهای ملی - مذهبی را در لیست خود گنجانده‌اند.

محافظه کاران

پیش از رقابت انتخاباتی، آنچه محافظه کاران را به عنوان رقیب اصلاح‌طلبان مطرح کرده، ابزارهای سیاسی نیرومند این جناح است.



محمد رضا باهنر و «ائتلاف پیروان خط امام و رهبری» مسیری جدا از مسیر جناح راست را طی خواهند کرد؟

گفته می‌شود محافظه کاران از انسجام وهمسویی قابل ملاحظه نسبت به رقیب خود بهره‌مندند، و شاید یکی از دلایل کم‌جلوه کردن تحرک انتخاباتی این جناح، همین انسجام درون تشکیلاتی باشد. گفتنی است سربر آوردن یک

اکنون تردیدی وجود ندارد که برخی نیروهای تشکیلی دهنده «جبهه دوم خرداد» حساب خود را از بقیه جدا کرده‌اند.

ائتلاف جدید از درون جبهه محافظه کاران در برابر این انسجام و همسویی یک علامت سؤال رسم کرده است. (در سطور آتی راجع به این

ائتلاف توضیح خواهیم داد).

اصولاً پیش از دوم خرداد و در جریان هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز چنین بوده است. به همان اندازه که گروه‌های خط امام به صورت هیأتی اداره می‌شدند، گروه‌های موسوم به راست (محافظه کاران) از نظم و انضباط تشکیلاتی بهره‌مند بودند. البته برخی معتقدند که تشکیلاتی بودن جناح راست «توهم» است و این توهم به دلیل بی‌نظمی و خودمحوری گروه‌های خط امام بروز کرده است. اما دلایل زیر نشان می‌دهد که محافظه کاران و به خصوص گروه‌های باسابقه آن، مثل جمعیت مؤتلفه، از انسجام تشکیلاتی مناسبی برخوردارند.

الف - رهبری واحد: اولاً: جناح راست از این مزیت بهره‌مند است که فعالان سیاسی تمامی گروه‌های زیرمجموعه آن غالباً خود را مقید به تبعیت از رهبری جناح کرده‌اند.

ثانیاً: افرادی همچون محمد رضا مهدوی کنی و حبیب‌الله عسگرآولادی در این جناح وجود دارند که مورد اجماع فعالان سیاسی گروه‌های راستگرا هستند.

ب - سابقه سیاسی: گروه‌های مؤثر جناح راست همچون جمعیت مؤتلفه اسلامی و جامعه روحانیت مبارز از گروه‌های باسابقه کشور به شمار می‌روند.

جمعیت مؤتلفه اسلامی، تشکیل شده از هیأت‌های مؤتلفه اسلامی است که فعالیت آنها به سال‌های پیش از انقلاب برمی‌گردد. جامعه روحانیت مبارز نیز از اوایل انقلاب به طور فعال در عرصه سیاسی کشور حضور داشته است.

ج - استراتژی مشترک: برعکس جبهه دوم خرداد که در برخی موارد از تضاد فکری بین گروه‌های خود رنج می‌برد، جناح راست از این بیابت آن‌چنان دچار مشکل نیست، عموم گروه‌های تشکیلی دهنده این جناح در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارای مشترکات فکری مشخصی هستند.

در بعد اقتصادی، حمایت از بازار، تقویت بخشی خصوصی و مخالفت با دخالت دولت در اقتصاد، در بعد فرهنگی تأکید بر ظواهر و الزام به رعایت آن و بستن درها و ایجاد قرنطینه در مقابل تهاجم فرهنگی، تأکید بر سنت و حفظ وضع موجود، مخالفت با مدرنیسم و ظواهر آن، برخورد قهرآمیز با برخی محصولات دنیایی

مدرن و در بعد سیاسی عدم توجه قابل ملاحظه به گفت‌وگو، بهره‌مندی از ابزارهای غیرمدنی، اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه با توجه به اوضاع، انتسابی دانستن ولی فقیه و غیرمستول دانستن آن در قبال مردم بخش‌هایی از استراتژی واحد گروه‌های سیاسی جناح راست است.

قابل ذکر است که در آستانه انتخابات ائتلاف جدیدی در جبهه محافظه‌کاران اعلام موجودیت کرده است که به نظر می‌رسد بتواند موفقیت قابل توجهی کسب کند.

«ائتلاف پیروان خط امام و رهبری» عنوان این گروه جدید است که محوریت آن را جامعه اسلامی مهندسان برعهده دارد و محمدرضا باهنر سخنگوی آن است.

این ائتلاف متشکل از محافظه‌کاران جوان و تحصیلکرده‌ای است که شیوه‌های بازی سیاسی را بهتر از دیگر همفکران خود می‌فهمند.

این بار نیز همچون انتخابات مجلس پنجم تأکید جمعیت مؤتلفه اسلامی بر دیدگاه‌های خود موجب بروز این شکاف نامحسوس در جبهه محافظه‌کاران شده است.

و حال در آستانه انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی به نظر می‌رسد همچون اصلاح‌طلبان، ائتلاف محافظه‌کاران نیز دچار تزلزل شده‌است.

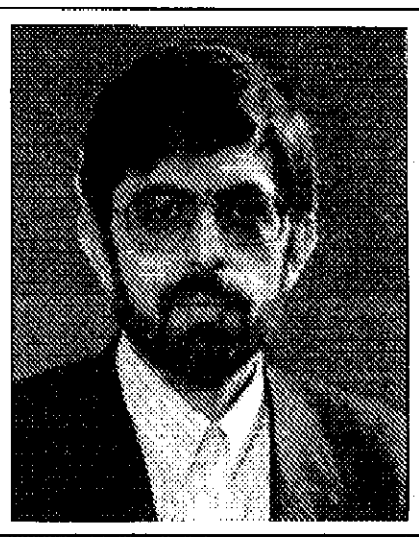
البته قطعاً حضور هاشمی در صحنه انتخابات آشکار شدن بیشتر اختلافات محافظه‌کاران را تا حدودی پنهان نگه داشته است.

در انتخابات گذشته، جامعه روحانیت مبارز با تشکل‌های همسو، مرکب از جمعیت مؤتلفه اسلامی، جمعیت اینارگران انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی مهندسان، جامعه اصناف و بازاریان، جامعه زینب، جامعه اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی پزشکان، جامعه اسلامی کارگران، جامعه اسلامی فرهنگیان و جامعه اسلامی ورزشکاران ائتلاف کرد.

هاشمی رفسنجانی و محافظه‌کاران

انسداد سیاسی دوران ریاست جمهوری علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به حدی بود که برخی از چهره‌های طیف چپ‌نوگرا نتوانستند اعتراض خود را نسبت به عملکرد آن دوران مخفی نگه دارند.

برای اولین بار سعید حجاریان عضو برجسته جبهه مشارکت ایران اسلامی با اظهار



آزادی‌گرا باسچی در آستانه انتخابات شرایط حاکم بر آرایش نیروها را تغییر داد

سخنانی در اردوی یک تشکل دانشجویی مبنی بر اینکه در «لیست ما نام هیچ‌کس مشترک با محافظه‌کاران نخواهد بود، حتی اگر این شخص هاشمی رفسنجانی باشد» گام نخست در

یک تفاوت عمده

بین جناح راست

و رقبایش این

است که جناح

مزبور از انسجام

تشکیلاتی بالایی

برخوردار است.

اعتراض به عملکرد هاشمی رفسنجانی برداشت بعدها عباس عبدی، دیگر عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با اظهاراتی شدیدالحن سابقه و عملکرد گذشته هاشمی رفسنجانی را زیر سؤال برد.

هاشمی رفسنجانی که به کمک دختر خود (فائزه)، برادر خانش (حسین مرعسی) و دیگر بستگانش در حال تست فضای سیاسی کشور بود، پس از مواجهه با این شرایط که می‌توانست خطری برای موقعیت سیاسی وی باشد، تن به پذیرش ریسک حضور در انتخابات داد.

حضور هاشمی در صحنه انتخابات باعث شد اختلاف بین گروه‌های اصلاح‌طلب در این مقطع زمانی بروز پیدا کند. در قسمتی از این جدایی‌کارگزاران و در قسمت دیگر جبهه مشارکت قرار خواهند گرفت. بیست‌گروه‌های نوگرایی چپ از جبهه مشارکت حمایت کرده و هاشمی را در لیست خود قرار نخواهند داد و گروه کارگزاران و گروه‌های همسوی آن به همراه محافظه‌کاران هاشمی را در لیست خود قرار می‌دهند.

به نظر می‌رسد گروه‌های چپ سنتی نیز نتیجتاً از قرار دادن نام هاشمی در لیست خود خودداری کنند.

و اما پیش‌بینی انتخابات

در تهران احتمالاً پیروزی در انتخابات نصیب چپ‌های نوگرا خواهد شد ولی این شهرستان‌هاست که به محافظه‌کاران و کارگزاران جان خواهد داد. جبهه اصلاح‌طلبان در شهرستان‌ها شدیداً دچار تشدد هستند. این ضعف به همراه نمایندگان سنتی برخی شهرها، در شهرستان‌ها از پیروزی قاطع اصلاح‌طلبان جلوگیری خواهد کرد.

همچنان‌که ذکر شد، به نظر می‌رسد مسیر حرکت و کارکرد مجلس ششم با ائتلاف‌های پس از انتخابات مشخص می‌شود. محافظه‌کاران که بسیاری از چهره‌های مؤثر نیروهای چپ را تأیید صلاحیت کرده‌اند، پس از انتخابات به نتیجه کار خود پی خواهند برد. چهره‌هایی همچون بهزاد نبوی (در صورت انتخاب شدن) در برقراری ائتلافی قابل توجه در مجلس ششم به نفع اصلاح‌طلبان تأثیر غیرقابل توجهی خواهند داشت.